DR. ABDUSSATTAR SIDDIQI
COLLECTION.

منتخب اللغات مکمل

الله البر

اللّٰهُمَّ هٰذَا فِدَاءٌ لِّي لَحْمُهَا بِلَحْمِي وَدَمُهَا بِدَمِي وَعَظْمُهَا بِعَظْمِي وَشَعْرُهَا
بِشَعْرِي وَجِلْدُهَا بِجِلْدِي اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا صِلَةً لِّي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَ
اَنَا مِنَ الْاَوَّلِ الْمُسْلِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ
مِنْ خَلِيْلِكَ اِبْرٰهِيْمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ

JAMIA HAMDARD
1202
15/11/2002
AL LIBRARY

15615
1956

لا الاله الا الله محمد رسول الله

15615
1956

بسم الله الرحمن الرحيم

DR. ABDUS SATTAR SIDDIQI
COLLECTION

رسول برحق اطاعت اولوالامر کافهٔ اهل اسلام بلک بر جمهور انام واجب ولازم گردانیده ومتابعت ایشانرا در اعلای کلمهٔ محمدی
وشریعت احمدی مفترض وواجب شمرده تا بران بر هر طبقه از طبقات زمان وبر هر طایفه از طوایف دوران لازم شد که بادشاه
وقت وسلطان زمان خود را که در سایهٔ حمایتش از تاب افتاب حوادث آسوده اند ظاهر وباطن انقیاد واطاعت نمایند
ودر جهر وسر وعلانیه او گویند والحمدلله والمنه که این ایام سعادت فرجام بوجود پادشاهی زیب وزینت یافته که گوی
سلاطین روزگار ست وصفوهٔ خواقین نامدار کعبهٔ امال وایاغ قبلهٔ اصحاب فضل وارباب معانی ست دین پرور دی
که تا پاس شریعت غرا ولمت در رفع مبانی ورفع ملاحی التش خسار غیرتش افروخت لاله از باده اغوانی وسنبل وسنبلی
جز داغ سیاه روی بهره ندیده وتا عوام احسان وخصوص اکرامش خاص وعام را حلقه بندگی در آورده سر وسرکشی
از ارادی شعری نچیده ونرگس متهیت انکه شوخ چشم وبی حیاست از بیم سیاستش عرگان رنجنده وبرگ نقصد مخالفان
هیچ برگ پیدا نسنجه حکیم مانیستش در امضاء امور بمرتبه ست که در حال مستقبل احوال را بامانی سازد وبساط افلاک وعرصهٔ
خاک را از بهرهٔ انجم ونقش مردم چون رفع خطوط نجوم وشیر وآهو از خوف خلاف حکمش باهم نیامیزند
هم کنام واو ضاع زمان واحوال جهان از یمن سعد لتش چون نبض تندرستان در آرام در عهد دولتش حکایت ملک سیاه
وبیجرانی وورود واقتضاء مدعی ومخاصمه برخود نشاید وقاضی دریا دلی که خمس انهار دریابار دستش در وقت سوال
اخر الزمان ابی یکلمت زار جهان داده ونتیجهٔ مردی ومردمی از خاندان فتوت ودودمان مروتش زاده
باوجود عوام بلک مجموعیت جسم وگوهر گردون صدقتش چون روح مقدس بلک روحیت اقدس چنین بحر محیط در جنب
تلاطم بحر همتش جلوه سراب وکنبد گردون با وسعت ورفعت قصر دولتش کنبد صباب طبعش اگر باد بهاری وابر
زراری را تعلیم چون برائی کند قطرهٔ شبنم لولو عمانی ودانه انار یاقوت رمانی کرد وفروغ رایتش اگر اهتاب پرتوی
نبخشد شب سیاه مهل بخشای وخاک تیره ظلمانی نشود ماه اگر بسعی راز رایتش کردی از کلفت کلف وظلمت خسوف
وکلف ورث محاق ایمن بودی بهر طرف چمنی از غیظ خلقش تخمی نکرد وگلستان از جمالت در عشق گلاب خرد ورد ود
افلاس فلاسش در عهد دولتش از معامله تهمتی وکاردانی صاحب مقبل معاشش در دولت وسعادت باخدمت کمیاب خاکپایش
خواجه تاشش هزار بنیاز که نه زمت محراب بیش طاق درگاهش چون سجده بت مردود وهر مراد که نه از مسئولان
بارگاهش جویند چون کبریت احمرو اکسیر اعظم مفقود ومدار تدابیر اگر نه بر کرد مرکز دولتش دور دیگر داشتی چرخ بیضایی
ومنزل اگر نه در امتثال مثال امرش منطقه بیت از بطن عدم نزادی قطب فلک کبیشان دالی دسکون الفلک
مشهور ست نه در عزم راسخ وحزم ثابتش نقطه ایست موهوم ونسبت قطر بمحیط وساحت ابعاد اجرام بسیط دو
حل مالا یحل افلاک که سمر کز امتحان اهل ادراک ست بپرسش فهمن تاقب وفکر صایبش امریست معلوم افتاب
جهانتاب که روشن کننده عالم اجسام وباتفاق ارباب اشراق نور دهنده اجرام ست در آسمان چهارم انورش کوکبی
ست منخسف وخط محور که بقول اختر شناسان سی هفت کشور باستقامت واستوا مدکور ست بپرسش رای عیب نمایش محیی ا